

تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دورهٔ راهنمایی تحصیلی بر اساس مؤلفه‌های هوش هیجانی الگوی توانایی محور مایر و سالووی

سهیلا هاشمی*

ویدا چمنی**

چکیده

هدف پژوهش حاضر تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دورهٔ راهنمایی تحصیلی بر اساس مؤلفه‌های هوش هیجانی بوده است. جامعهٔ آماری پژوهش شامل کتاب‌های درسی دورهٔ راهنمایی و نمونهٔ آماری ۹ کتاب از کتاب‌های درسی این دورهٔ راهنمایی (فارسی سال اول، دوم و سوم، تاریخ سال اول، دوم و سوم و تعلیمات دینی سال اول، دوم و سوم) می‌باشد. مؤلفه‌های هوش هیجانی شامل ادراک و شناسایی هیجان، درک هیجان، کاربرد هیجان و مدیریت هیجان بر اساس نظریهٔ هوش هیجانی مایر و سالووی است. در تحلیل محتوای کتاب‌ها، متن تمام دروس اعم از کلمات، جملات و تصاویر که حاوی پیام هیجانی بودند و همچنین میزان و چگونگی پرداختن به مؤلفه‌های هوش هیجانی در متن دروس، پرسش‌ها و تمرین‌ها و تصاویر کتاب مورد تحلیل قرار گرفتند. تحلیل داده‌ها نشان داد که میزان توجه کتاب‌ها به هریک از مؤلفه‌های هوش هیجانی متفاوت می‌باشد؛ به گونه‌ای که ادراک و شناسایی هیجان بیشتر از مؤلفه‌های درک، کاربرد و مدیریت

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۰/۱۷ تاریخ شروع بررسی: ۹۰/۱۲/۱۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۴/۲۵

* استادیار دانشگاه مازندران soheilahashemi@yahoo.com

** کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی

هیجان مورد توجه قرار گرفته است. همچنین کتاب‌های فارسی بیشتر از کتاب‌های درسی تاریخ و تعلیمات دینی در برگزیده مؤلفه‌های هوش هیجانی بوده است. در کتاب‌های تاریخ پیام‌های هیجانی در حد اندک بوده و محتوای کتاب‌ها عمدتاً به شرح مختصری از رویدادهای تاریخی پرداخته‌اند.

کلیدواژه: کتاب درسی، هوش هیجانی، تحلیل محتوا، مدل توانایی محور

مقدمه

در جوامع پیچیده امروز همراه با تغییرات سریع و در هم تنیده فرهنگی در بستر زمان، ظرفیت‌های هیجانی و اجتماعی به ملزومات مهمی برای کارکرد انطباقی و کار آمد افراد در گروه‌های سنی مختلف تبدیل شده است. گرین برگ، لوچه و ریگز^۱ (۲۰۰۴) معتقدند، اگرچه در گذشته مهارت‌های هیجانی و اجتماعی به‌ندرت به‌عنوان یک مؤلفه ضروری در آموزش و پرورش لحاظ می‌شد، اما اکنون به‌عنوان دانش و مهارت اساسی، گنجینه آموزش و یادگیری یادگیرندگان قلمداد می‌شود.

در سال‌های اخیر، هوش هیجانی^۲ به‌عنوان شاخصی از ظرفیت‌های هیجانی و اجتماعی در قالب درک هیجان‌های خود و دیگران، آگاهی از هیجان‌ها و تفکیک آن از افکار و حساسیت نسبت به هیجان‌ها و احساسات دیگران محور توجه بسیاری از روان‌شناسان قرار گرفته است (ماتیوس، زایندر و رابرتس^۳، ۲۰۰۲). گلمن^۴ در سال ۱۹۹۵ هوش هیجانی را توانایی خود انگیزی، مقاومت در برابر ناکامی‌ها، کنترل تکانه‌ها و به تعویق انداختن کامروایی به‌منظور تنظیم خلق و حفظ قدرت تفکر در کشاکش آشفتگی، همدلی و امیدواری تعریف نموده است (استوف، ساکلوفسکی و پارکر، ۲۰۰۹).

بارآن^۵ (۱۹۹۷) به نقل از هدلاند و استرنبرگ^۶، (۲۰۰۰) در الگوی آمیخته^۷ خود هوش هیجانی را به‌عنوان توانایی‌های غیر شناختی^۸، دانش و شایستگی‌هایی می‌داند که شخص را قادر می‌سازد به‌طور موفقیت‌آمیزی با شرایط مختلف زندگی انطباق یابد. او پنج حوزه شایستگی‌ها را، به شرح زیر بر شمرده است که می‌تواند معادل ظرفیت‌های هوش هیجانی باشد:

۱. مهارت‌های درون فردی^۹ که خودآگاهی هیجانی، ابراز وجود، خودتنظیمی، خود شکوفایی و استقلال را شامل می‌شود،

۲. مهارت‌های میان فردی^{۱۰} که روابط بین فردی، مسئولیت و تعهد اجتماعی و همدلی را شامل می‌شود،